

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

نادر ثانی

۲۱ سپتمبر ۲۰۱۶

جو هیل، شورشی آواز خوانی که به خاک و خون کشیده شد اما هرگز نمرد!

بخش دوم و پایانی

محاکمه جو هیل در روز ۱۷ جون ۱۹۱۴ آغاز شده و تا ۲۸ این ماه ادامه یافت. دادستان در متن دادخواهی خود برای جو هیل درخواست محکوم شدن به اشد مجازات، حکم مرگ، نمود. از آن رو که جو هیل توان مالی برای گرفتن وکیل نداشت از دادگاه درخواست کرد که اجازه بدهند او کار دفاع از خود را بر عهده بگیرد. اما رئیس دادگاه این درخواست را رد کرده و دو وکیل تسخیری برای وی تعیین شدند اما از آن جا که جو باور داشت که آن دو وکیل از جانب دادستان مأموریت دارند تا او به اشد مجازات برسد به این انتصاب اعتراض کرده و تا پایان جریان محاکمه حاضر به همکاری با آنان نشد.

روز ۲۸ جون، پس از پایان جریان محاکمه، هیأت منصفه پس از تنها چند ساعت اعلام داشت که جو هیل را مسبب قتل موریسون و پسرش می‌داند و رئیس دادگاه حکم مرگ او را صادر کرد. سپس در دادگاه مطابق رسم موجود در ایالت یوتا از جو هیل پرسیدند که آیا ترجیح می‌دهد که به طناب دار آویخته شود و یا می‌خواهد در مقابل جوخه تیرباران قرار بگیرد و او هم پاسخ داده بود: "تیرباران را انتخاب می‌کنم. تا به حال چند بار به طرفم تیراندازی شده و گمان می‌کنم که از عهده آن برآیم".

از این روز جو هیل کمی بیش از ۵۰۰ روز در زندان و در انتظار مرگ بود. می‌گفت و می‌نوشت اما هرگز نه مسؤلیت کشته شدن موریسون‌ها را به عهده گرفت و نه حاضر شد که نام دو فردی را که می‌توانستند او را از کام مرگ برهاند بر زبان بیاورد.

در روز ۱۵ اگست ۱۹۱۵، جو هیل در مقاله‌ای که در نشریه سوسیالیستی "پیامی برای علت‌جوئی Appeal to Reason" به چاپ رسید این گونه نوشت:

"با وجود تمامی تصاویر و داستان‌های ناگوارانی که در مورد من به چاپ رسیده است، در زندگیم تنها یک بار، در "سن پدرو San Pedro" در "کالیفرنیا California" دستگیر شده‌ام. در آن زمان کارگران بندر در اعتصاب بزرگی بودند و من منشی کمیته اعتصاب بودم. فکر می‌کنم که کمی، بیش از حد قبول رئیس پولیس شهر بودم و او دستور داد که من را دستگیر کرده و در خلال ۳۰ روز به اتهام ولگردی به زندان ببنداند. این تمامی تاریخچه "میدان جرم" من است.

آن چه باید مرکز توجه باشد و امر مهمی است که باید به آن دقت نمود آن است که من موریسون را نکشتم و من چیزی در این باره نمی‌دانم. او همان طور که شهادت موجود به وضوح نشان می‌دهد مورد اصابت گلوله یکی از دشمنانش واقع شد و من به اندازه کافی در این شهر نیوده‌ام که بتوانم دشمنانی برای خودم دست و پا بکنم.

مدت کوتاهی پیش از این که دستگیر شوم از "پارک سیتی Park City"، جایی که در آن در معدن کار کرده بودم، برگشته بودم. به دلیل وجهه ای که موریسون داشت پولیس می‌بایست گناهارکاری را دستگیر می‌کرد و من را پیدا کردند، بی‌کس و کاری چون من، یک سویدنی و بدتر از همه عضوی در سندیکای کارگران صنعتی جهان، فردی که به هر حال حقی برای زندگی نداشت و درست از این رو علامت گناهارکار بر او زدند.

من همیشه برای کسب نان شب خود سخت کار کرده‌ام، همیشه هزینه آن چه را دریافت کرده‌ام پرداخت کرده‌ام و در زمان فراغت تابلو نقاشی کرده، ترانه سروده و آهنگ ساختم.

حالا شهروندان ایالت یوتا بدون آن که به من شانس درخوری بدهند که بتوانم حرف خودم را بزنم می‌خواهند من را به جوخه تیرباران بفرستند. بگذار این گونه شود. آماده‌ام. چون یک هنرمند زندگی کرده و چون یک هنرمند خواهم مرد." (۱)

از این روز تا روز تیرباران جو هیل افراد بسیاری درخواست‌نامه‌های خود در مورد جلوگیری از تیرباران او را به "وودرو ویلسون Woodrow Wilson" رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و "ویلیام اسپری William Spry" حکمران یوتا ارسال داشتند. از جمله این افراد می‌توان از دو رهبر شاخص سندیکای کارگران صنعتی جهان، "ویلیام هی‌وود William Haywood" و "الیزابت گورلی فلین Elisabeth Gurley Flynn"، نویسنده و فعال اجتماعی امریکائی "هلن کلر Helen Keller" و سفیر سویدن در ایالات متحده آمریکا "ویلیام اکنگرن William Ekengren" نام برد.

جو هیل روز پیش از تیرباران شدن در تلگرافی به رهبر سندیکای کارگران صنعتی جهان، ویلیام هی‌وود، این گونه نوشت:

"بدروید بیل. من به مثابه یک کارگر شورشی ناب می‌میرم. وقت را برای عزاداری هدر ندهید. سازماندهی کنید." غروب شب پیش از تیرباران، خبرنگاری از نشریه "هرآلد جمهوریخواه Hareld Republican" مصاحبه‌ای با جو هیل داشت. در بخشی از این مصاحبه خبرنگار از جو هیل پرسید:

"می‌خواهید به آن چه از شما به‌جا می‌ماند، لوازم شخصی و خرده‌ریزه‌هایی که دارید، چه کنید؟"

جو هیل نگاهی به خبرنگار کرده و در پاسخ می‌گوید:

"براستی چیزی ندارم که خواسته‌ای در مورد آن ها داشته باشم. اگر منظور شما خرده‌ریزه‌ها، یادگاری‌ها و زینت‌آلات است باید بگویم که هرگز اهمیتی به این چیزها نداده‌ام و چنین چیزهایی نداشته‌ام. اما می‌خواهم یک وصیت بکنم و آن را به روی کاغذ آورده و به وسیله "اد رووان Ed Rowan" و دیگر دوستان سندیکائیم برای همه ارسال خواهم کرد."

پس از آن جو هیل بر گوشه‌ای از تخت سلول نشسته و نامه بدروید خود برای جهانیان را به روی کاغذ آورد:

"وصیتنامه من بسیار کوتاه خواهد بود

چرا که چیزی ندارم که به این و آن بدهم

آن قدر نیست که حرفی در موردش در میان باشد:

"همان گونه برهنه که آمدم، خواهم رفت."

از این رو بدن من را آن گاه که مردم

چون خاکستر به بادی بازیگوش بسپارید

و بگذارید که چون باران

بر دشتی پُر گل بر روی زمین ببارد.

شاید که گلی به بار آید

زندگی تازه یابد.

این ، آن است که من می‌خواهم.

پیروز باشید شما تمامی انسان ها!

بامداد روز ۱۹ نومبر ۱۹۱۵ جو هیل در زندانی در ایالت یوتا در مقابل جوخه تیرباران قرار داده شد. با وجود آن که جو هیل در تمامی مدت ارتکاب به جرمی را که به او نسبت داده شد انکار کرده و با وجود این که دست اندرکاران بیدادگاهی که در مقابلش قرار داده شده بود هیچ گاه نتوانست نشان دهند که او مرتکب دو قتلی که به او نسبت داده شده بود ، شده است، او را تیرباران کردند. بدون شک سپردن جو به مرگ از آن رو نبود که تقاص مرگ دو نفر داده شود. جو هیل تیرباران شد تا به فعالان سندیکائی، سیاسی و اجتماعی نشان داده شود که سیستم حاکم تاب فعالیت آنان را نیاورده و آنان را "به سزای فعالیت های شان" خواهد رساند. چهار گلوله در قلب جو هیل نقطه پایانی بر زندگی او گذاشت، اما جو هیل نمرود چرا که خاطره او و فعالیت آزادی خواهانه و عدالت جویانه او هنوز، صد سال پس از مرگ جسمی او، زنده است.

جنازه جو هیل همان گونه که خودش خواسته بود در روز ۲۶ نومبر سوزانده شده و خاکسترش در کیسه‌های کوچک ریخته شده و به دفاتر محلی سندیکای کارگران صنعتی جهان در شهرهای بسیاری در ایالات متحده امریکا، امریکای جنوبی، اروپا، آسیا، افریقا و زلاند نو فرستاده شد تا در روز اول ماه مه ۱۹۱۶، روز جهانی کارگر، در تمامی این شهرها به دست باد سپرده شود.

اما جو هیل چه کسی بود؟

جو هیل که در زمره یکی از پرنفوذترین خوانندگان موسیقی اعتراضی ایالات متحده امریکا در قرن بیستم به شمار آمده و بدون شک یکی از منابع الهام برای دیگر خوانندگان موسیقی اعتراضی در این دوران از جمله "وودی گاتری Woody Guthrie"، "پیت سیگر Pete Seeger"، "جان لنون John Lennon"، "باب دیلان Bob Dylan" و "جوان بایز Joan Baez" است، با نام واقعی "یوئل امانوئل هگلوند Joel Emmanuel Häggglund" در روز ۷ اکتوبر ۱۸۷۹ در شهر "یوله Gävle" در سویدن به دنیا آمد. او سومین فرزند از ۹ فرزند خانواده و یکی از ۶ خواهر و برادری بود که به سن بلوغ رسیدند. پدرش کارمند قطار بین شهری بود. خانواده یوئل مذهبی و همزمان بسیار علاقه مند به موسیقی بودند و در خانه‌شان در بسیاری از مواقع نوای موسیقی با شعرهایی که بوی مسیحیت می‌دادند، شنیده می‌شد. یوئل در همان دوران جوانی نواختن بانجو، گیتار، پیانو و ساز دهنی را فرا گرفته و نخستین سروده‌های خود را که در مورد افراد خانواده بود، تدوین نمود.

بیش از ۸ سال نداشت که پدرش مرد. مرگ پدر وضع مادی بسیار بدی را برای خانواده به وجود آورد. مادرش با تلاش فراوان توانست تا امرار معاش خانواده را به انجام برساند اما در این راه تمامی افراد خانواده ناچار بودند تا آن جا که می‌توانند به کسب درآمد برای خانواده اقدام کنند. یوئل نیز همانند برادران و خواهران بزرگترش از همان دوران کودکی در کارگاه ها و کارخانه‌ها مشغول به کار شد.

۱۲ سال بیشتر نداشت که مبتلا به بیماری سل شد. بیماری که اثرش را به شکل زخم‌هایی بر گردن و صورت وی تا آخر عمر کوتاهش به جای گذاشت.

در سال ۱۹۰۲ مادر یوئل پس از بیماری طولانی فوت کرد. یوئل و برادرها و خواهرانش خانه پدرمادری را فروخته، ارث ناچیز باقیمانده را بین خود تقسیم کرده و هر کدام به راهی رفتند.

چند ماه پس از مرگ مادر، توئل و برادرش "پاول Paul" که دو سال از او بزرگ‌تر بود، تصمیم گرفتند که به همراه بسیار دیگر بی‌چیزانی که از فقر موجود در اروپا فرار کرده و برای به دست آوردن کار و یافتن روزگاری بهتر ره به سوی ایالات متحده آمریکا می‌بردند، به آن سو مهاجرت کنند. آن‌ها بلیط درجه سوم کشتی به سوی آن دیار را تهیه کرده و در ماه اکتوبر ۱۹۰۲ در "الیس آیلند Ellis Island" از کشتی پیاده شده و به نیویورک رسیدند.

اولین کار یوئل در نیویورک با توجه به انگلیسی بسیار ناچیزی که بلد بود خالی و تمیز کردن جام‌های تف در خیابان‌های محلات مخروبه نیویورک بود. مدتی بعد یوئل تصمیم گرفت که این کار و نیویورک را ترک کرده و به طرف غرب ایالات متحده آمریکا روانه شود. با برادرش صحبت کرد و قرار شد که از هم جدا شده و هر کدام با اتخاذ راه و روش خود به زندگی ادامه دهند.

در مورد زندگی یوئل در ۸ سالگی که در راه بود زیاد نمی‌دانیم. می‌دانیم که او بیشتر تنها و در خود بود، مشروب نمی‌خورد، سیگار نمی‌کشید و دوست نداشت درباره خود با دیگران صحبت کند. در خلال این سال‌ها در شهرهای بسیار به سر برده و کارهای بسیاری از جمله کار در مزارع، بنادر، ساختمان‌ها و جنگل را پیشه نمود. می‌دانیم که در کریسمس ۱۹۰۵ در "کلیولند Cleveland" در "اوهایو Ohio" و به هنگام زلزله "سانفرانسیسکو San Francisco" در ۱۸ اپریل ۱۹۰۶ در این شهر بود. در مقاله‌ای که در ۱۶ ماه مه همان سال در یکی از روزنامه‌های محلی زادگاهش یوله به چاپ رسید، یوئل از خرابی‌های بسیاری که این زلزله مهیب به بار آورده بود و از تلاش انسان‌ها برای ادامه زندگی نوشته است.

این سال‌ها برای یوئل که زندگی‌اش در بخش تحتانی جامعه طی می‌شد تجارب بسیار به همراه داشت. فقر شدیدی را که بیشتر مهاجران درگیر آن بودند و ذلتی را که بخش بسیاری از توده‌های جامعه تجربه می‌کردند، با گوشت و استخوان حس می‌کرد و نتیجه گرفته بود که این فقر و خواری ریشه در آن دارد که توده‌ها به وسیله سرمایه‌دارانی ناچیز اما بسیار ثروتمند استثمار می‌شوند.

در حدود سال ۱۹۱۰، در دورانی که در بندر شهر سن پدرو کار می‌کرد، به سندیکای "کارگران صنعتی جهان" پیوست. در این دوران نام تازه‌ای را، "جوزف هیلستروم Joseph Hillström"، برای خود برگزید.

چندی بعد در نامه‌ای که برای نشریه سندیکای کارگران صنعتی جهان، "کارگر صنعتی Industrial Worker" ارسال کرده بود از آن چه که سیاستمداران گوناگون بر سر اعضای سندیکا می‌آوردند، نوشته بود. او این نامه را برای نخستین بار "جو هیل" امضاء کرده بود.

از این جاست که با جو هیل و فعالیت‌های گسترده او آشنا می‌شویم؛ فردی که در این جا و آن جا اعتصابات کارگری را سازماندهی می‌کرد، برای سندیکا و برای تجهیز و تشویق کارگران و بی‌چیزان ترانه‌سرود می‌ساخت و برای آنان در این جا و آن جا به اجراء درمی‌آورد. تاکتیکی که جو برای به میان بردن سروده‌های خود در میان توده‌ها اتخاذ کرده بود بسیار جالب بود: او آهنگ سروده‌های مذهبی، آهنگ‌هایی که بسیاری از توده‌های محروم با آن‌ها آشنائی داشته و آن‌ها را ترنم می‌کردند، برداشته و بر آنان سروده‌های خود را که تماماً در مورد زندگی کارگران و بی‌چیزان، دلیل زندگی

اسفباری که آنان درگیر آن بودند و شیوه مبارزه برای رهایی از این زندگی بودند را سوار کرده و در این جا و آن جا می‌خواند.

از جمله سروده‌های بسیار محبوب او در این سال ها ، می‌توان "کشیش و برده" را نام برد:

"کشیشان موبند هر شب بیرون می‌آیند

آنان تلاش می‌کنند که به تو بگویند چه چیز اشتباه و چه چیز درست است

اما اگر از آنان بپرسی "و درباره آن چه که می‌توان خورد چه می‌گوئی"

با صدائی بسیار لطیف پاسخ می‌دهند:

تو در عرش کبیریا در بالای ابرها خواهی خورد

کار کن و عبادت کن. با علف روزگار بگذران.

زمانی که بمیری در آن دنیا به تو غذاهای گوارا داده خواهد شد.

ارتش جان دادن از گرسنگی در کار است

آنان دست می‌زنند، می‌خوانند و دعا می‌کنند

زمانی که تمامی سکه‌های تو را در جام خود ببینند

آن زمان به تو می‌گویند که آمرزیده شده‌ای

فریاد می‌زنند، می‌جهند و داد می‌زنند

می‌گویند پولت را برای عیسی بده

او تمامی بیماری‌های تو را امروز شفاء خواهد داد

اگر سخت برای همسر و فرزندت کوشا باشی

تلاش کنی که کار مفیدی در زندگیت به انجام برسانی

می‌گویند که یک گناهکار و انسان بدی هستی

و زمانی که بمیری بدون شک به جهنم خواهی رفت

کارگران در تمامی کشورها متحد شوید

در کنار هم برای رسیدن به آزادی مبارزه خواهیم کرد

زمانی که جهان و ثروت های آن را تصرف کرده‌ایم

برای کلاهبرداران این گونه می‌خوانیم

غذائی برای خوردن خواهی داشت

زمانی که فرا گرفته باشی غذا درست کنی

هیزم بشکن که برایت بسیار خوب است

و در دورانی شیرین خواهی خورد" (۲)

در جنوری ۱۹۱۱، جو هیل در منطقه مرزی بین کالیفرنیا و مکزیک بود و به گروهی از کارگران پیشرو و فعال که در آن جا برای سرنگون کردن دولت و رئیس‌جمهور مکزیک فعالیت می‌کردند، پیوست و در بین امریکائی‌ها فعالیت می‌کرد که به مبارزه کارگران مکزیک بپیوندند.

در سال ۱۹۱۲ پس از سخنرانی در حمایت از مبارزات کارگران بندر شهر "سن دیگو" مورد هجوم عاملان سرمایه‌داران قرار گرفته و به شدت مصدوم شد اما از پای ننشست و هم چنان آهنگ می‌ساخت، ترانه می‌سرود، می‌خواند، سخنرانی می‌کرد و با تمامی توان در راه سازماندهی کارگران گام برمی‌داشت.

با همان سرعتی که شهرت و محبوبیت جو هیل در میان کارگران و بی‌چیزان گسترده می‌شد، نام، چهره و وحشتی که مبارزه او در میان سرمایه‌داران و سگان زنجیری آنان ایجاد می‌کرد نیز هم‌گیرتر می‌شد و دیگر در بسیاری از شهرها به او کار نمی‌دادند و وضع مالی او بسیار نابسامان‌تر از گذشته می‌شد.

در ماه جون سال ۱۹۱۳ جو هیل در جریان یک اعتصاب کارگری در میان کارگران بندر سن پدرو دستگیر شده و به جرم ولگردی به ۳۰ روز زندان محکوم شد.

در خلال این سال‌ها موزیک جو هیل در ایالات متحده آمریکا همه‌گیر شده بود. از ایالات غربی فراتر رفته و در شهرهای صنعتی کشور، در دیترویت، شیکاگو و نیویورک جای خود را یافته بود و سندیکای کارگران صنعتی جهان نیز با بهرهوری از موزیک هیل، جای هر چه بیشتری در میان کارگران پیدا می‌کرد.

در سال ۱۹۱۴ جو هیل به پارک سیتی در نزدیکی سالت لیک سیتی در ایالت یوتا رفت تا در معادن آن جا مشغول کار شود.

یکی از آخرین سروده‌های جو هیل "دختر شورشی Rebel Girl" بود که او آن را در سال ۱۹۱۵ در زندان سروده و به الیزابت گورلی فلین، یکی از شاخص‌ترین زنان سندیکا تقدیم نمود:

"همان‌گونه که همه می‌دانند

در این دنیای آشفته ما

زنان بسیار با خصوصیتی گوناگون وجود دارند

برخی در خانه‌های بسیار مجال و زیبا زندگی می‌کنند

و زیباترین لباس‌ها را بر تن دارند

ملکه‌ها و شاهزاده‌هایی هستند که خون آبی‌رنگ دارند

آنان که الماس و مروارید جلوه‌ای بسیار به آنان می‌دهد

اما تنها زنی که یک زن کامل است

دختری شورشی است

دختری شورشی است، دختری شورشی است

برای طبقه کارگر مرواریدی بسیار گرانبه است

او شجاعت، غرور و شادی می‌بخشد

به سوی مبارزه پسر شورشی

پیش از شما دختران را داریم اما به بیش از آنان نیازمندیم

در کارگران صنعتی جهان

برای این که مبارزه برای رسیدن به آزادی خوب است
با یک دختر شورشی

آری، دستانش می‌توانند از کار پاره‌پاره شده باشند
و لباسش نمی‌تواند بسیار زیبا باشد
اما قلبی دارد که در سینه‌اش می‌تپد
قلبی که برای طبقه و همانندانش حقیقت دارد
و خیانتگران به لرزه می‌افتند
زمانی که او به حرکت درآید
از آن رو که تنها زنی که یک زن کامل است
دختری شورشی است" (۳)

آری بدین گونه صد سال پیش سگان زنجیری سرمایه با به دست آوردن موقعیتی مناسب و به بهانه‌ای توخالی توانستند بدن جو هیل را سوراخ‌سوراخ کرده و او را از پای درآورند اما آنان هرگز نتوانستند سروده‌های او را به فراموشی درآورند. جو هیل کشته شد اما نمرود. او به سان سروده‌ها و مبارزاتش برای کارگران و محرومان جامعه زنده است و زنده خواهد ماند.

پانوشت‌ها:

(۱) ترجمه از متن سوئدنی در ویکی‌پدیا

https://sv.wikipedia.org/wiki/Joe_Hill

(۲) یکی از اجراءهای این ترانه را در این جا بشنوید:

https://www.youtube.com/watch?v=Ca_MEJmuzMM

(۳) یکی از اجراءهای این ترانه را در این جا بشنوید:

<https://www.youtube.com/watch?v=hR7fBCENkN0>

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۰۵، تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۵